

خودسوزی همادارابی در اعتراض به حجاب اجباری

دکتر پرویز داورپناه



هما دارابی

www.mahnaaz.com

دوباره یک روز روشنا ،
سیاهی از خانه می رود
دوباره می سازمت وطن ،
اگرچه با خشت جان خویش
سیمین بهبهانی

دکتر هما دارابی روانپزشک ، استاد دانشگاه ، مبارز سیاسی و فعال حقوق زنان و کودکان بود.

زنده یاد هما دارابی در بیست و شش دی ماه 1318 در تهران زاده شد. پس از ورود به دانشگاه به حزب ملت ایران پیوست و در نخستین یادواره روز دانشجویکه در برابر دانشکده هنرهای زیبا بر پا گردید ، در کنار پروانه فروهر در آن شرکت کرد و به

سخنرانی پر شوری پرداخت و یاد شهدای شانزده آذر 1332 را گرامی داشت و شیر زن دانشگاه نام گرفت.

کوشش‌ها و مبارزات سیاسی هما دارابی از سال 1338 در رژیم ستمشاهی آغاز گشت و پس از انقلاب با تاکید بر دفاع از حقوق پایمال شده زنان در رژیم کنونی همچنان ادامه یافت.

او در سال 1338 با هم‌رزم خود منوچهر کیهانی ازدواج کرد و صاحب دو دختر بنام‌های آناهیتا و سالومه گردیدند که هر دو در رشته پزشکی به تحصیل روی آوردند. هما دارابی و پروانه فروهر نخستین زنانی بودند که سازمان زنان جبهه ملی را تشکیل دادند و در کنگره اول جبهه ملی ایران در بهمن ماه 1341 در آن شرکت کردند. در همین کنگره هما دارابی به عنوان نماینده سازمان زنان به سخنرانی پرداخت و با فرستادن درود به دکتر محمد مصدق، سخنانی را در باره‌ی مقام زن و دفاع از حقوق زنان بیان کرد و از جبهه ملی، خانه سیاسی دکتر مصدق تشکر نمود که زنان را در صفوف خود راه داده است.

هما دارابی پس از دریافت درجه دکترا در رشته بیماری‌های کودکان به آمریکا رفته و رشته روان پزشکی را هم با نهایت موفقیت به پایان رسانده و به عشق خدمت به وطن در سال 1353 به ایران باز می‌گردد و در کسوت استادی دانشگاه به تدریس پرداخته و به حدی از لحاظ علمی موفقیت حاصل می‌نماید که در سال 1366 به بلندترین درجه ممکن در رشته روان پزشکی کودکان و جوانان از آمریکا دست می‌یابد.

هما بنیانگذار «کلینیک» روان پزشکی سهامی گردید و در درمان کودکان سر از پا نمی‌شناخت و مهر آور خانواده‌ها بود.

زنده یاد پروانه فروهر در باره‌ی او چنین می‌گوید :

« به چشم او انسان برارنده کسی است که مسئول باشد. مسئول در برابر خود و در برابر همه دلواپسی هایی که در این میهن رنجور است. رسالت برابری زن و مرد را که مبتنی بر یک ساخت ذاتی عام و مستقل از جنسیت است را باور داشت و جز خیز گرفتن به سوی آینده ای باز و آزاد و سالم توجیه دیگری برای هستی نمی شناخت.

ناسیونالیسم ، این مشرب سختگیر و ریاضت آمیز که تلاش خاصی را طلب می کند، مکتبی است که بدان سر سپرده و در این راه پیوسته تلاش می کرد که موجودی مفید باشد و زندگی او ارزش زیستن یابد.

تعهد سیاسی ، نبرد برای آزادی ، پشتیبانی از آزادیخواهان ، اینها همه ویژگیهای اوست. در راستای دستیابی به کنه اندیشه های مصدق بزرگ ، این پیشتاز مبارزه ضد استعماری در شرق ، این راه گشا و مشعل دار استقلال و ناوابستگی ، هیچ فرصتی را از دست نمی داد و با شوقی پایان ناپذیر در زندگی این خرد همیشه بیدار ، کند و کاو می کرد.»

این شیر زن مبارز در مبارزه با استبداد شاهنشاهی نقش فعالی داشته و پس از انقلاب نیز لحظه ای راه آزادیخواهی را ترک نکرد و این خادم مردم و کودکان به بهانه بد حجابی از دانشگاه اخراج گردید و حتی مطب شخصی او را هم باز به بهانه آنکه چرا در برابر کودکان حجاب ندارد ، تعطیل کردند و این استاد ارزنده را از هر خدمتی محروم کردند.

پروانه فروهر در باره او می گوید:

« در مورد زنان باورهای خاص داشت ، باور داشت که زن برای آن به وجود آمده تا به عنوان موجودی انسانی سرنوشت بشری خویش را کامل سازد و توقف زنان برای او موضوعی بس دردناک بود و سر انجام به این نتیجه دست یافت که اگر زنان می خواهند زندگی شان دگرگون شود باید خود کاری کنند. نباید چشم به راه آینده بمانند ، باید بی درنگ دست به کار شوند و وضع خود را زیر و رو سازند. این وجدان ، این خود آگاه ، بی گمان در برابر قدرت هوش ربای دستیابی به یک همبود انسانی ، هر چه حساس تر می شد ، اما از سوی دیگر نیاز به شناختن هر چه بیشتر جهان ، به طرز تفضیلی تر ، دقیق

تر و زنده تر از گذرگاه برخورد واقعی با هم نوعان احساس می شد. با چنین احساسی است که تا شور زندگی در او جریان دارد از آموختن و افزودن در گستره دانش خویش باز نمی ایستد ، راه می جوید ، راه می نماید ، پیکار می کند ، از بامداد تا شامگاه که سر بر بستر می نهد ، در تلاش است ، هیچ کجا تسلیم نشود.

هم پای کودکی که نبوده‌ها و کمبودها و تبعیض‌ها و نا ایمنی روانش را پریشیده ، از جان و دل می تپد ، می گزید ، می نویسد ولی سرانجام درد را در جای دیگر می یابد. تا رابطه های اجتماعی سامان نیابد ، تا انسان در جایگاه واقعی خود قرار نگیرد ، تا حرمت نداشته باشد ، تا حد و مرزش رعایت نگردد ، تا احساس برابری و همبود انسانی نداشته باشد، از این همه تنگنا به در نخواهد شد. »

اما شب پرستان جهل و تعصب ، راه را از هر سو بر او بستند و چنان او را آزدند که وی نیز در انتخاب میان سوختن و ساختن ، سوختن را برگزید و مرگ را با آغوشی باز برگزید و عصر روز دوشنبه ، دوم اسفند ماه 1372 خورشیدی ، در یکی از میادین مرکزی شهر تهران در اعتراض به اختناق حاکم بر کل جامعه ایران و به ویژه زنان ، نخست حجاب تحمیل شده بر خویش و سپس جسم خود را به شعله های سوزان آتش سپرد و با این کار گوشه ای از وضعیت ناخوش آیند زنان ایرانی را به تصویر کشید. گر چه پزشکان با تلاشی گسترده کوشیدند که او را نجات دهند ، ولی سودی نبخشید و بامداد سوم اسفند « قره العین » دیگری دیده از جهان فرو بست و غم و اندوهی سنگین بر سینه یاران بر جای گذاشت.

یادش گرامی باد که فروغ شعله های سرکش پیکرش ، روشنی بخش راه رهروانش خواهد بود.

منابع :

1 - سخنرانی پروانه فروهر در مراسم بزرگداشت دکتر هما دارابی

- 2 - احمد رناسی - به یاد دکتر هما دارابی
- 3 - کاوه کرمانشاهی - به یاد دکتر هما دارابی و به مناسبت سالروز خود سوزی او
- 4 - حمید رضا مسیبیان - دکتر هما دارابی
- 5 - زندگی ، افکار و آثار دکتر هما دارابی در سایت ایشان به زبان انگلیسی

www.homa.org

